

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Quarterly Journal, Vol. 22, No. 10, Winter 2023, 51-79
Doi: 10.30465/crtls.2023.40645.2560

Cash in the Pot of Gold

A Critical Review on the Book “*Saadi's Arabic Poetry Based on Applied Criticism*”

Mohammad Reza Najjarian*, Nafise Raisi Mobarake**

Abstract

The research in Saadi's Arabic poetry is not at par with the Persian poems of this famous Iranian poet, either in terms of quality or quantity, this is more obvious in the correction and description of the text of these poems. The book of review of “*Saadi's Arabic Poems Based on Applied Criticism*” was published for the first time in 2015 by Shahid Madani University of Azerbaijan publisher. Amir Muqaddam Mottaghi, the author of the book, has tried, in his research, to evaluate Saadi's Arabic poems based on a research theory called applied criticism. He introduces this criticism as one of the types of practical criticism based on the effect on the reader. His book was published in 2017. The author has collected the contents of the book in three chapters. First, the theoretical framework of the discussion, then Saadi's life and works, and at the end, the review of Saadi's Arabic poems has been compiled on the basis of practical criticism. In this article, an effort is made to describe, analyze and criticize the mentioned book in the four axes of research structure, Saadiology, documentation of information and in-text references, errors, and content deficiencies. The insufficient and disorganized research method, the author's incorrect research theory, and the author's disregard for

* Professor of Persian Language and Literature of Yazd University, Yazd, Iran, (Corresponding Author),
reza_najjarian@yazd.ac.ir

** Assistant Professor of Persian Language and Literature of Yazd University, Yazd, Iran, raisi@yazd.ac.ir

Date received: 2022/09/09, Date of acceptance: 2023/01/23



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the principle of reference in the research have distracted the author from compiling a scientific and academic book that will resemble Saadi's Arabic poetry for the audience.

Keywords: Literary Criticism, Applied Criticism, Saadi, Arabic Poems of Saadi, Imagery



نقدی در بوته زر

تحلیل انتقادی کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی

محمد رضا نجاریان*

نقیسه رئیسی مبارکه**

چکیده

پژوهش در شعر عربی سعدی به‌هیچ‌روی چه از لحاظ کیفیت و چه از لحاظ کمیت هم‌تراز اشعار فارسی این شاعر پرآوازه ایرانی نیست، این سخن در تصحیح و شرح متن این اشعار آشکارتر است. کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی برای نخستین‌بار در سال ۱۳۹۵ در انتشارات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان به چاپ رسید. امیر مقلّم متقی مؤلف کتاب کوشیده‌است، در پژوهش خویش، اشعار عربی سعدی را براساس نظریه پژوهشی‌ای با نام نقد کاربردی بسنجد. او این نقد را، از انواع نقد عملی بر مبنای تأثیر بر خواننده معرفی می‌کند. کتاب او در سال ۱۳۹۷ به چاپ دوم رسید. نویسنده مطالب کتاب را در سه فصل، گردآورده است. ابتدا چارچوب نظری بحث، سپس زندگی و آثار سعدی و در پایان بررسی اشعار عربی سعدی را بر مبنای نقد کاربردی تدوین کرده‌است. در این مقاله کوشش بر این است که کتاب یاد شده در چهار محور ساختار پژوهشی، سعدی‌شناسی، مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی، خطاها و نارسایی‌های محتوایی توصیف، تحلیل و نقد شود. شیوه پژوهشی نارسا و بی‌سامان، نظریه پژوهشی نادرست و بی‌توجهی نویسنده به اصل ارجاع در پژوهش، نویسنده را

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، reza_najjarian@yazd.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، raisi@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳



از تدوین کتابی علمی و دانشگاهی که شعر عربی سعدی را به مخاطب بازشناسد، دور کرده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ادبی، نقد کاربردی، سعدی، اشعار عربی سعدی، صور خیال.

۱. مقدمه

کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی در سال ۱۳۹۵ در انتشارات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان چاپ شد و در سال ۱۳۹۷ در همان انتشارات به چاپ دوم رسید. نویسنده کتاب، امیر مقدم متقی دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد است. این کتاب سه فصل دارد و در ۱۳۵ صفحه تدوین شده است. به استناد مقاله "بررسی قصیده راییه سعدی در سوگ بغداد بر پایه نقد کاربردی" که همین نویسنده در سال ۱۳۹۳ در شماره پانزدهم فصلنامه لسان مبین به چاپ رسانده است، این کتاب مستخرج از طرح پژوهشی‌ای با همین نام کتاب است که با حمایت مالی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام پذیرفته است.

نویسنده در این کتاب بر پایه نقد کاربردی به بررسی و ارزیابی اشعار عربی سعدی می‌پردازد و قصد دارد تصویر علمی و دقیق‌تری از هنر شاعرانه سعدی در سرودن اشعار عربی دیوانش ارائه دهد. این مقاله می‌کوشد کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی را به شیوه توصیفی - تحلیلی از جوانب گوناگون بسنجد و آن را از لحاظ ساختار پژوهشی، سعدی‌شناسی، مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی، خطاها و نارسایی‌های محتوایی توصیف و ارزیابی کند.

۲. محاسن کتاب

نویسنده در کتاب بررسی اشعار سعدی بر مبنای نقد کاربردی کوشیده است به تبیین علمی اشعار عربی سعدی بر پایه چارچوبی نظام‌مند بپردازد و این خود ارزشمندترین حسن کتاب است، افزون بر این، اشعار عربی سعدی عرصه‌ای است که کمتر پژوهشگران زبان و ادب عربی و فارسی در مورد آن به تحقیق و تحلیل پرداخته‌اند و توجه مؤلف به این مبحث خود ستودنی است و می‌تواند راهگشا و انگیزه‌بخش پژوهشگران توانمندی در این عرصه شود. پژوهش کنونی می‌کوشد حاصل تلاش و پژوهش نویسنده را در نقد کاربردی اشعار عربی سعدی در بوته نقد گذارد تا کتاب به عیار بهتری دست یابد.

۳. معایب کتاب

۱.۳ فرضیه‌های پژوهش

بعد از انتخاب موضوع پژوهشی و تعریف مسأله پژوهش، پژوهشگر باید پرسش‌هایی را طراحی کند و در طرح فرضیه‌ها، آن پرسش‌ها را پاسخی فرضی دهد. در بخش فرضیه‌های پژوهش این کتاب، فرضیه برای مخاطب وضوحی ندارد و حدود آن نامشخص است. بهتر می‌بود فرضیه‌ها پژوهش با شماره‌گذاری دقیق مشخص می‌شد تا روشنایی بخش مسیر در طول خوانش کتاب برای خواننده باشد.

۲.۳ شیوه پژوهش

در اینجا بایسته است برای تبیین مطلب عین متن کتاب را در بیان شیوه پژوهش بازنویسیم: «روش کار در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با مطالعه اشعار عربی سعدی، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع و جمع‌آوری مطالب و در نهایت نقد و بررسی این اشعار بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده، صورت گرفته است.» (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۱۱)

با خوانش این جمله طولانی، مخاطب با شیوه پژوهش آشنا نمی‌شود و نیز با روش پژوهشگر در رسیدن او به هدف ارتباطی برقرار نمی‌کند و از سوی دیگر نثر این بخش آشفته و شتابزده است. بهتر بود در این بخش، در کنار شرح و گزارش روشن‌تر از شیوه پژوهش، نوشته می‌شد که اشعار عربی سعدی از چه تصحیحی انتخاب شده و برچه اساسی ترجمه شده‌اند.

۳.۳ پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش یک مرور محققانه است و تا آنجا باید پیش‌رود که پیش‌زمینه تاریخی و علمی مسأله را روشن کند و جایگاه پژوهش را در میان پژوهش‌های گذشته باز نماید. مرجع‌شناسی و شیوه دسترسی به منابع، مؤثرترین اصل در پژوهش دانشگاهی است و لازم است در این باره وقت، دقت و حوصله کافی گذاشت. از سوی دیگر نقل قول و استناد علمی به آثار پیشین، بخشی از مسئولیت تحقیقی و علمی مؤلف است. پیشینه کتاب پیش روناقص و ناکارآمد است، همه منابع پژوهشی پیشین درباره اشعار عربی سعدی معرفی نشده‌است و با اشاره‌ای گذرا به عنوان چند کتاب و نویسنده آن‌ها و معرفی یک مقاله و بیان کاستی و نارسایی آن مقاله، بخش پیشینه به پایان رسیده‌است، درضمن، روند تکاملی پژوهش‌های قبلی براساس

زمان مشخص نیست. در پژوهش‌هایی هم که به اجمال معرفی شده نمی‌دانیم که ارتباط پژوهش حاضر با آن‌ها چیست و چه مضامین و دستاوردهایی درباره اشعار عربی سعدی دارند. در ادامه، تعدادی از مهمترین کتاب‌ها و مقاله‌هایی که پیشینه کتاب است، شناسانده و پیشنهاد می‌شود:

احسان عباس در مقاله‌ای با نام "ارزیابی اشعار عربی سعدی" که در سال ۱۳۶۳ در مجله آینده به ترجمه جعفر مؤیدشیرازی چاپ شده است، با نگاهی نکته‌یاب و بیانی موجز اشعار عربی سعدی را ارزیابی کرده است و مؤیدشیرازی نیز این مقاله را که اساساً خطاب به خود اوست در دو کتاب شناختی تازه از سعدی و شعرهای عربی سعدی شیرازی آورده است.

محمدعلی القضاة در مقاله "قراءه نقدیه فی اشعار سعدی الشیرازی العربیه" که در سال ۱۳۹۰ در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی نوشته شده است، به بررسی نوآوری‌های صورتی و محتوایی سعدی در سرایش اشعار عربی‌اش پرداخته است.

فیروز حریریچی و دیگران نیز در سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای را به نام "سعدی الشیرازی و حاضره الاسلام فی خلال قصیده الرائیة فی رثاء بغداد" در مجله آفاق الحضاره الاسلامیه چاپ کرده‌اند، ایشان در این مقاله، قصیده رائیة سعدی در رثاء بغداد را از مناظر گوناگون هنری، شاعرانه و عاطفی اعجاب‌آور دانسته‌اند و بهره‌مندی سعدی از مضامین قرآنی و ویژگی‌های بلاغی را در بروز هنری این قصیده تأثیرگذار دانسته‌اند.

موسی اسوار نیز در کنار کتاب اشعار عربی سعدی که به همت مرکز سعدی‌شناسی در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است و ترجمه‌ای هنرمندانه از اشعار عربی سعدی دارد، مقاله‌ای هم با نام "در رثای بغداد: نگاهی به قصاید عربی سعدی" نوشته است که در سال ۱۳۹۱ در مجله سعدی‌شناسی چاپ شده است. اسوار براین باور است که با مطالعه شعر عربی سعدی می‌توان بر استفاده از دانش وسیع قرآنی او و شناختش از شاعران بزرگ عرب آگاهی یافت و گستردگی دایره واژگانی او، حسن انتقال و انسجام در موضوعات گوناگون را از خلال قصیده رائیة او شناخت.

مصطفی کمالجو و الهام زارع در مقاله "تحلیل بلاغی اشعار عربی سعدی با نگاه به تشبیه" که در سال ۱۳۹۲ در پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت چاپ شده است، با دقت، تشبیه را در اشعار عربی سعدی بررسی و تحلیل کرده‌اند و با مشخص کردن انواع آن نشان داده‌اند که تشبیه چه از لحاظ شکل و چه از نظر محتوا، در اشعار عربی سعدی نشان‌دهنده زبان خاص این شاعر است و سعدی در به‌کارگیری تشبیه، بیش از آن که به دنبال بروز توانایی خود در بهره‌مندی از صنایع ادبی باشد، در پی ابلاغ معنا بوده است.

با خوانش و دقت در پژوهش‌هایی که معرفی شد ادعای نویسنده در پیشینه پژوهش کتاب نیاز به بازنگری دارد. او نوشته است:

وجه مشترک تمامی این آثار این است که نویسندگان آن‌ها غالباً به ذکر نکاتی کلی در مورد اشعار عربی سعدی اکتفا کرده‌اند، بی‌آنکه قصیده یا قصایدی را مستقلاً مورد بحث و ارزیابی قرار دهند. در این آثار بجز آثار آقای مؤیدشیرازی که بحق در این حوزه تحقیقات ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند، مطالب جدید کمتر به چشم می‌خورد و اغلب موارد اظهار نظرات و نقل قول دیگران و در واقع تکرار مکررات است (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۱۲).

با توضیحاتی که در معرفی پیشینه پژوهش داده شد، می‌توان دریافت که پژوهش انجام شده در این کتاب چندان نوین نیست و لازم است بیفزاییم که بهتر بود نویسنده به طرح پژوهشی خود در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان که این کتاب براساس آن نوشته شده و نیز مقاله مستخرج از طرح که در مجله لسان مبین منتشر شده و پیش از آن نام بردیم، اشاره می‌کرد.

۴.۳ نظریه پژوهش

نظریه، معرفت‌بخش پژوهش است، چشم‌انداز تازه‌ای را به موضوع می‌گشاید و رویکرد پژوهشی و پرسش‌های نوینی را در فرآیند پژوهش مطرح می‌کند. بدون نظریه، پژوهش پشوانه نظری ندارد و روش و هدف آن نامشخص است. نویسنده، نظریه پژوهشی این کتاب را نقد کاربردی معرفی می‌کند و آن را از انواع نقد عملی بر مبنای تأثیر بر خواننده می‌شناساند. مرجع نویسنده در شناساندن این نظریه، دو کتاب *نقد ادبی سیروس شمیسا و فرهنگ اصطلاحات ادبی سیما داد* است. از ابتدای بندی که در صفحه ۱۸ کتاب نام "نقد نظری" برخوردار تا نزدیک به اواخر بخش نقد کاربردی همه، نقل از کتاب *نقد ادبی شمیسا* است. روش کار شمیسا در کتاب *نقد ادبی* چنین است که در فصل دوم اجمالاً انواع نقد را معرفی می‌کند و سپس در فصول بعدی آن را شرح می‌دهد و تصویر روشن و جزئی‌نگری از هر یک از انواع نقد در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد. نویسنده کتاب *بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی* از خوانش فصل پانزدهم کتاب *نقد ادبی* با نام "نقد خواننده‌مدار" که توضیح مفصل نقد منتخب پژوهش اوست، غافل مانده و همین غفلت او، شرح و کاربست نظریه را به امری غامض و پیچیده بدل کرده است تا حدی که با خوانش کتاب او درمی‌یابیم اصلاً نقد کاربردی یا

نقد به لحاظ خواننده را نشناخته‌است و با این ابزار ناشناخته می‌خواهد اشعار عربی سعدی را به ما بشناساند.

شمیسا در فصل پانزدهم *نقد ادبی* این نقد را چنین شرح می‌دهد:

تاکنون چندبار از نقد خواننده‌مدار (Reader Response Criticism) سخن گفته‌ایم و در اوایل کتاب هم جزو انواع نقد آن را مطرح کردیم اما با توجه به بحث هرمنوتیک لازم است مجدداً مروری در آن کنیم. نقد خواننده‌مدار در انواع مکاتب و نظریه‌های ادبی که از ۱۹۶۰ به بعد رواج یافتند، مطرح است. در این نوع نقد اهمیت بر خواننده است و عکس‌العمل‌های ذهنی او در مقابل متن و پاسخ‌هایی که به مسائل متن می‌دهد. از این رو منتقدان خواننده‌مدار به هرمنوتیک هم مربوط می‌شوند. همه این منتقدان عقیده دارند که معنی متن را خواننده مشخص می‌کند و به دلایل متعدد مثلاً مسئله زبان یا ذات اثر هنری یک معنی که متفق‌علیه همه باشد، نداریم. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۵۵)

بین هویت خواننده و فهم متن ارتباط است. ناخودآگاه متن که معنای پنهان آن است با ناخودآگاه خواننده بده و بستان دارد. فی الواقع متن وسیله است تا خواننده خود را بازیابد و تفسیر و فهم متن مبتنی بر همین هویت خواننده یعنی وضع روانی اوست. وقتی متن، انتظارات خواننده را برآورده نمی‌کند، خواننده موضع دفاعی می‌گیرد و معنی را مطابق خواست خود که همان هویت اوست، تغییر می‌دهد و در نتیجه این هویت خواننده است که فهم اثر را به وجود می‌آورد. اما اگر متن به انتظارات خواننده جواب مثبت دهد، خواننده غرق در لذت می‌شود. (همان، ۳۵۶)

این نقد در واقع منتقد را به ما معرفی می‌کند نه متن را زیرا هر تفسیر از متن نشان‌دهنده هویت خاص خواننده‌اش است.

در توصیف نظریه نقد کاربردی در کتاب پیش رو، مبدع نقد بر ما نامشخص است و تحولاتی که در طول زمان اعمال شده و برداشت‌های گوناگون منتقدان همسو با آن ناگفته مانده‌است. مخاطب کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی بر فروع نظریه در کتاب آگاه‌نمی‌شود و شیوه اعمال و کاربست نقد را نمی‌داند و این سردرگمی تا پایان خوانش کتاب او را رهانمی‌کند. با نگاهی به کتاب *نقد بر مبنای زیبایی‌شناسی و تأثیر آن در نقد عربی از رز غریب می‌توان گفت که نقد کاربردی اشعار عربی سعدی تا حدودی بر پایه نظریه‌ای که در این کتاب شرح و معرفی شده، نگاشته شده‌است و فروع نقد زیبایی‌شناسی غریب را به خاطر می‌آورد. در آن کتاب هم مباحثی چون اندیشه و موضوع، لفظ شعر، موسیقی و صوت‌پردازی، اصل غلو، اصل غرابت و ابداع با مباحثی که در این کتاب مطرح شده همسو و هم‌معناست.*

۲- بررسی اسلوب

۲-۱- فصاحت و غرابت

۲-۲- تناسب میان لفظ و معنا

۲-۳- قوت و استحکام اسلوب

۲-۳-۱- کاربرد صور خیال

۲-۳-۲- استفاده از اسلوب‌های استدلالی و استشهادی

۲-۳-۳- اقتباس از قرآن و حدیث

۲-۴- بررسی موسیقی

۲-۴-۱- موسیقی بیرونی

۲-۴-۲- موسیقی درونی

۲-۴-۲-۱- هارمونی آواها و سازگاری آن با فضای معنایی

۲-۴-۲-۲- کاربرد انواع بدیع لفظی

۲-۴-۲-۱- جناس

۲-۴-۲-۲- رد الصدر الی العجز

۲-۴-۳- موسیقی معنوی

۲-۴-۳-۱- طباق

۲-۴-۳-۲- مقابله

۲-۴-۳-۳- مراعات النظیر

۲-۴-۴- موسیقی کناری

۳- بررسی عاطفه

فصل دوم کتاب بانام "زندگی و آثار سعدی" در پنج صفحه به معرفی سعدی و آثارش می‌پردازد. نویسنده در نگارش این فصل رویکردی به منابع جدید و دست‌اول ندارد و به منابعی چون مقدمه کتبات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی یا سعدی‌نامه بسنده کرده است، او در این فصل، شمار آثار سعدی را بیست و دو رساله می‌داند و تنها ده مورد آن را ذکر کرده است و نقل قول این سخن را نیز به خرمشاهی نسبت داده است که البته در منابع در فهرست نام نویسندگان نام بهاءالدین خرمشاهی نیامده است ولی با کمی جستجو می‌توان دریافت منظور نویسنده، کتبات سعدی است که نشر دوستان چاپ کرده است و خرمشاهی مقدمه‌ای بر آن

نقدی در بوته زر (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۱

نوشته است. تقریباً همه این فصل، نقل قول است و ما کمتر نشانی از سخن خود نویسنده کتاب درباره سعدی می بینیم، گویا نویسنده از زندگی سعدی بیگانه است که او را از دریچه نگاه عرب زبانان سعدی پژوه می بیند و "ابوبکر زنگی" را "ابی بکر زنگی" می نویسد بدون این که به نگارش فارسی این کلمه توجه کند. نمونه های این رسم الخط عربی را می توان در صفحات ۶۹، ۸۵ و ۱۱۸ کتاب دید.

۵.۳ سعدی شناسی

نثر این بخش از کتاب، نارسا و آشفته است و پراکندگی و شتاب زدگی سخن آن از فصول دیگر بیشتر است. از مصادیق این دریافت، می توان به دو نمونه اشاره کرد:

سعدی از معدود هنرمندانی است که در نظم و نثر، در انواع قالب های نظم و نثر دست توانا داشته است. باید توجه داشته باشیم که در آثار منشور لاقفل مکتوبات بزرگانی چون سنایی و خاقانی هم هرگز به پای آثار منظوم آنها نمی رسیده است. (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۲۵)

در این بخش علاوه بر حشو عبارت "در انواع قالب های نظم و نثر" منظور از قالب نثر مشخص نیست و گمان می رود منظور نویسنده از قالب ها، انواع نثر باشد. قیاس جمله دوم مشخص نیست و مراجع ضمیرها نیز مبهم است و نوع ساختار دو جمله در کنار هم تعقید معنوی و ابهام ایجاد کرده است. نمونه دیگر چنین است: «درباره زندگی، شخصیت ادبی و علمی و آثار سعدی، در کتاب های تاریخ ادبیات عربی و پژوهش هایی که عربی زبانان انجام داده اند، تقریباً همان است که در کتاب های فارسی مشاهده می شود.» (همان، ۲۴) در این جمله هم ضعف ساختار هم نشینی جملات سبب تعقید شده است.

۶.۳ مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی

مستندسازی اندیشه ها و داده های پژوهش راه را بر سرقت ادبی و علمی می بندد و پژوهشگران را به اصول اخلاقی و قوانین جاری بر گفتمان دانشگاهی پایبند می کند. در این بخش، ارزش استنادهای کتاب و مرجع نویسی آن، از سه منظر سنجیده می شود: سرقت علمی از خود، نقل قول های بی مرجع، خطا در ارجاع نویسی.

۱.۶.۳ سرقت علمی از خود

سرقت علمی از خود زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگر بخش‌هایی از پژوهش‌های منتشرشده خود را دوباره، در پژوهشی دیگر استفاده کند.

برخی معترضند که "از خود دزدی" تعبیری متناقض است. گروهی دیگر می‌گویند تکرار یک اندیشه و نوشته‌های مشابه در کار یک پژوهشگر ناشی از سبک نویسنده است. از سویی دانشگاهیان مطالب خود را به شکل‌های مختلف بازنویسی و بازچاپ می‌کنند. آن‌ها را با هم درمی‌آمیزند، خلاصه می‌کنند و در نوشته‌های دیگر خود به کار می‌برند. در نظر نخست، این کار دزدی علمی به‌شمار نمی‌رود اما از آنجاکه در نظام دانشگاهی اساس ارزیابی و اعتبارسنجی پژوهش‌ها بر سه اصل تازگی دانش، زمان تولید و اعتبار رسانه نشردهنده نهاده شده است، بنابراین وقتی کسی یک دستاورد علمی را در زمان‌های مختلف، در قالب‌ها و رسانه‌های متفاوت بازنویسی و تکرار کند، محققان و ارزیابان را گرفتار خطا می‌کند و از این رو می‌توان گفت وی خلاف ارزش‌های دانشگاهی و اخلاق حرفه‌ای عمل کرده است (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

همان‌طور که در مقدمه هم گفتیم این کتاب حاصل طرحی پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان است. از این طرح پژوهشی مقاله‌ای ۳۵ صفحه‌ای با نام "بررسی قصیده راثیه سعدی در سوگ بغداد بر پایه نقد کاربردی" استخراج شده است که شباهت بسیاری به کتاب نویسنده دارد. در آن مقاله، قصیده ۹۲ بیتی راثیه سعدی در سوگ بغداد بررسی شده است و در کتاب، همه اشعار عربی سعدی ارزیابی می‌شود. کتاب در طرح مسئله، فرضیه‌ها، پیشینه پژوهش، فصل اول و مقدمات و تقسیم‌ها و استدلال‌های فصول دیگر با مقاله همسان است. مقدمه و نتیجه‌گیری همه بخش‌ها شبیه مقاله است، برای اثبات مدعا در صفحات ۴۸-۵۰، ۷۹-۷۸، ۹۴-۹۲ شباهت کامل با مقاله وجود دارد که البته این خود، مشتی نمونه خروار است. برای مثال ذیل مبحث "ساختار زبانی" در مقاله آمده است: «یکی دیگر از عواملی که باعث سادگی این قصیده شده است، ساختار زبانی آن است؛ به عبارتی اجزای کلام در این قصیده اغلب سرجای خود نشسته‌اند و تقدیم و تأخیر مخل فصاحت به چشم نمی‌خورد.» (مقدم متقی، ۱۳۹۳: ۱۲۷) در ذیل همین مبحث در کتاب آمده: «یکی دیگر از عواملی که باعث سادگی این قصاید شده است، ساختار زبانی آن‌ها است؛ به عبارتی اجزای کلام در این قصاید اغلب سرجای خود نشسته‌اند و تقدیم و تأخیر مخل فصاحت به چشم نمی‌خورد.» (مقدم متقی،

نقدی در بوته زر (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۳

۱۳۹۷: ۴۵) حتی از نتایج نه‌گانه بخش انتهایی کتاب در صفحه ۱۲۸ نتیجه یک، سه، چهار، هفت و هشت کاملاً شبیه نتایج مقاله است.

در همان سال‌های پژوهش و نگارش کتاب، پایان‌نامه‌هایی بر همین اسلوب، بر پایه متون دیگر به راهنمایی ایشان انجام پذیرفته که تعدادی از آن‌ها را معرفی می‌کنیم.

- بررسی ادعیه امام سجّاد علیه‌السلام براساس نقد کاربردی (دعای ابوحمزه ثمالی، مناجات خمس عشره)، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، خرداد ۱۳۹۳.

- واکاوی اسلوب، معنا و عاطفه در دعای عرفه امام حسین (ع) و زیارت جامعه کبیره امام هادی (ع)، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، مهر ۱۳۹۳.

- بازتاب هنری تناسب لفظ و معنی در خطبه‌های الغدیر، فدکیه، قاصعه، اشباح، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذر ۱۳۹۴.

- وحدت و کثرت در خطبه‌های متفکین، شقشقیه، غراء و الزهراء نهج البلاغه از دیدگاه نقد زیبایی‌شناسی، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، اسفند ۱۳۹۶.

- بازشناسی جلوه‌های زیبایی سخن در دعای کمیل و دعای ندبه، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، شهریور ۱۳۹۷.

از همه مهم‌تر که تا حدّ بسیاری با کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی شباهت دارد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد است که شرح آن چنین است:

- بازتاب هنری لفظ و معنا در اشعار عربی سعدی بر پایه نقد زیبایی‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی، تابستان ۱۳۹۸.

افزون بر این، نویسنده کتاب، در سال ۱۳۸۵ در همایش ملی قرآن‌پژوهی مقاله‌ای با نام "تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی" نوشته است که بخش بررسی موسیقی درونی کتاب در صفحه ۱۰۵ متأثر از آن است. برای مثال از هر دو متن، نمونه‌های مشابه را می‌آوریم که نویسنده تنها به‌جای واژه "فواصل قرآنی"، عبارت "قصاید سعدی" را آورده است:

«هارمونی آواها و سازگاری آن‌ها با فضای معنوی قصاید به گونه‌ای که متغیرهای فونتیک، هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی در سراسر ابیات همراه و همپا است.» (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

«زمانی دیگر در میان معنا و لفظ و هارمونی آواها و سازگاری با معانی نمایان می‌شود، به‌گونه‌ای که متغیرهای فونتیک، هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی در سراسر فواصل همراه و همپا است» (مقدم متقی، ۱۳۸۵: ۱۴۳)

نمونه دیگر چنین است:

با تأمل در اشعار عربی سعدی درمی‌یابیم که در سراسر ابیات این قصاید، حرکت، سکون، مخارج و حروف، مد و غنه متناسب با سیاق معانی و مضامین و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شود و این ویژگی از رازهای معماری این قصاید به‌شمار می‌رود (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

«حرکت، سکون، مخارج و حروف، مد و غنه متناسب با سیاق معانی و مضامین و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شود و این ویژگی در فواصل آیات قرآنی، رازی از رازهای معماری قرآن به‌شمار می‌رود.» (مقدم متقی، ۱۳۸۵: ۱۴۳) که البته این مفاهیم هم بسیار متأثر از کتاب زبان قرآن مقصود فراستخواه در صفحات ۱۶۸-۱۶۵ است.

بند چهارم صفحه ۱۱۲، بند دوم صفحه ۱۱۳ و بند اول صفحه ۱۱۵ در کتاب نیز عیناً در مقاله "تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی" آمده است. حتی گاهی نیز نقل قول‌های مقاله در بازنویسی‌های چندباره نادیده گرفته شده است؛ برای مثال در بند چهارم صفحه ۱۱۲، نویسنده، آن را به مقاله خودش با عنوان "زیبایی‌شناسی اسلوب و معنا در سبک نویسندگی ملاصدرا" ارجاع داده است. در حالی که با مراجعه به مقاله درمی‌یابیم که این بند از کتاب *النقد الأدبی عند العرب* از احمد بدوی است.

همچنین بندی در صفحه ۱۷۶ مقاله "زیبایی‌شناسی اسلوب و معنا در سبک نویسندگی ملاصدرا" و نیز در صفحه ۱۶۳ "تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی" وجود دارد که نویسنده در بند اول صفحه ۱۲۰ کتاب، آن را به خود نسبت داده است که در اصل از صفحه ۱۰۷ مقاله "نظری به تدوین دانش بدیع در ادب فارسی" نعمت‌الله ایران‌زاده است.

به این نوع سرقت از خود در زبان انگلیسی «قاچ‌زدن» (Salami-Slicing) می‌گویند و قاچ‌زدن یعنی «انتشار پاره‌پاره یک پژوهش در چند جا؛ مثلاً همایش، نشریه، کتاب و تارنمای اینترنتی» (فتوحی، ۱۳۹۳، ۲۲۰)

۲.۶.۳ نقل قول‌های بی‌مرجع

نویسنده در نوشتن کتاب بررسی اشعار عربی سعیدی از دو کتاب جعفر مؤیدشیرازی با عنوان شعرهای عربی سعیدی شیرازی و شناخت تازه از سعیدی استفاده کرده است. تقریباً تمام ترجمه‌های فارسی اشعار از کتاب شعرهای عربی سعیدی شیرازی است و به چنین امر مهمی در هیچ‌جای متن کتاب اشاره نشده است البته گاهی نویسنده تنها یک یا چند واژه را در این ترجمه‌ها تغییر داده است اما عموماً ترجمه‌ها یکسان است. برای نمونه دو ترجمه را می‌آوریم.

- خونم را کام و دهانی خندان حلال دانست، باشد که خداوند بر کشته آن کام و دهان رحمت آورد. (مؤیدشیرازی، ۱۳۷۲: ۹۳)

- خونم را لبی خندان حلال دانست، باشد که خداوند بر کشته آن کام و دهان رحمت آورد. (مقلم متقی، ۱۳۹۷: ۳۳)

در نمونه بالا، نویسنده به جای "کام و دهان" اول واژه لب را جانشین کرده است در صورتی که این هر دو، معادل کلمه "ثغر" است. یا در ترجمه بیتی در صفحه دیگر «پریان و انسان‌ها و جهان آفرینش همه در پیشگاه او به تواضع سجده می‌برند» (همان، ۳۴) که در صفحه ۱۳۵ ترجمه مؤیدشیرازی به جای ضمیر "او"، "وی" آمده است. جالب است که یکبار نیز در صفحه ۹۴ نویسنده با وجود ترجمه‌ای از خود در اواسط صفحه، باز ترجمه مؤیدشیرازی را در کمانک ذکر می‌کند.

اقتباس‌های بی‌نام و نشان نویسنده از دو کتاب مؤیدشیرازی تنها به ترجمه ابیات عربی سعیدی تمام نمی‌شود. در ذیل عنوان "فصاحت و غرابت" در صفحه ۷۱ کتاب مواردی که ذکر شده، همه از پانوشته‌های کتاب شعرهای عربی سعیدی شیرازی است که تعداد کمی از آن‌ها ارجاع دارد و بیشتر آن‌ها ارجاعی ندارد.

واژه	صفحه در کتاب بررسی اشعار عربی سعیدی بر مبنای نقد کاربردی	صفحه در کتاب شعرهای عربی سعیدی شیرازی	ارجاع
آکله	۷۲	۳۶	دارد
کعبه	۷۲	۶۶	ندارد
خنساء	۷۲	۶۸	ندارد
مستعصم	۷۲	۷۰	ندارد
منی	۷۳	۷۸	ندارد
الحبل	۷۳	۵۲	ندارد

واژه	صفحه در کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی	صفحه در کتاب شعرهای عربی سعدی شیرازی	ارجاع
الدوارس	۷۳	۶۸	ندارد
کأس	۷۴	۷۲	ندارد
زید و عمرو	۷۴	۸۰	ندارد
لاهیبه	۷۵	۱۱۲	ندارد

در صفحه ۹۴ ذیل عنوان "اقتباس از قرآن و حدیث" تمام شواهد قرآنی از پانویست ایسات شعر سعدی در کتاب شعرهای عربی سعدی شیرازی گرفته شده است.

گاهی هم که نویسنده به کتاب مؤیدشیرازی ارجاع می‌دهد، بیشتر مباحث آن بخش را ارجاع‌های پی‌درپی به این کتاب دربرمی‌گیرد. مثلاً در ذیل عنوان "جدیدبودن معانی یا تقلید"، بیشتر مطالب از کتاب مؤیدشیرازی است که البته با ارجاع هم آمده است ولی دیگر کلامی از نویسنده کتاب نمی‌بینیم. در ذیل همین عنوان یادشده باز هم بسیاری از مطالب از کتاب مؤید شیرازی است که ارجاعی هم ندارد بلکه به منابع و اسناد خود مؤیدشیرازی ارجاع داده است. برای نمونه می‌توان به پانویست صفحه ۶۱ و دو شاهد مثال "جاء الشتاء و عندی من حوائجه" و "يقولون کافات الشتاء کثیره" اشاره کرد.

فهرست منابع پایانی کتاب نیز ناقص است و همه منابع استفاده شده در کتاب را دربر نمی‌گیرد. برای مثال نشانی از نام مؤلفانی چون خرمشاهی و ابراهیم محمد در صفحه ۲۶ و انیس المقدسی در صفحه ۴۳ در فهرست پایانی نیست.

گاهی نیز نویسنده از ارجاعات منابع دیده شده نام می‌برد بدون این که نام منبع اصلی دیده شده‌اش را ذکر کند. ارجاع (دیچیز، بی تا: ۹۲ و ۹۳ و ۹۵) صفحه ۱۹ کتاب از صفحه ۴۴ کتاب نقد ادبی شمیسا اقتباس شده است. ارجاع (حسین محفوظ، ۱۳۷۷: ۲۲۱) در صفحه ۶۳ کتاب از صفحه ۱۴۰ کتاب شعرهای عربی سعدی مؤیدشیرازی است.

۳.۶.۳ خطا در ارجاع نویسی

بخشی از پشتوانه پژوهش در گرو ارزش علمی و اصالت نسخه و منابع آن است. از سوی دیگر روش شناسی ارجاع نویسی در پژوهش امری اساسی است و پیروی از روش‌های معتبر و باریک بینی در اجرای یکدست این روش‌ها بر هر پژوهشگری بایسته است. ارجاع نویسی در

نقدی در بوته زر (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۷

این کتاب دو مشکل اساسی دارد؛ بی‌نظمی و بی‌روشی در ارجاع‌نویسی، استفاده از القاب غیر پژوهشی در مورد نویسندگان و پژوهشگران.

۱.۳.۶.۳ بی‌نظمی و بی‌روشی در ارجاع‌نویسی

گاهی نویسنده کتاب، در ارجاع به منابع پژوهشی خود خطا کرده‌است که تعدادی از آن‌ها را بازمی‌نماییم.

در صفحه ۱۸ کتاب با چنین ارجاعی روبرو هستیم: (زرین‌کوب، ۱۳۷۳ش، ج ۲: ۵) که البته ذکر جلد ۱ و ۲ که در هم ادغام شده‌اند، لزومی ندارد. در تکرار ارجاع، ذکر واژه "همان" کافی است ولی در چند جای کتاب از عبارت همان مأخذ (صفحات ۱۹ و ۲۳) استفاده شده است. گاهی نام کتاب، به جای نام نویسنده آمده‌است مانند (کلیات، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۶) در صفحه ۲۳ که به جای کلیات باید سعدی نوشته می‌شد. در ارجاع‌نویسی این کتاب می‌بینیم که گاهی ذکر نام نویسنده فراموش شده‌است مانند صفحه ۳۱ کتاب (۱۳۶۴ش: ۱۱۴-۱۱۳). گاهی هم نام مترجم به جای نام مؤلف آمده‌است مثلاً در صفحه ۲۸ در ارجاع (مؤید، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱) به جای نام "مؤید" باید نام "احسان عباس" می‌آمد.

۲.۳.۶.۳ استفاده از القاب و صفات غیر پژوهشی در مورد نویسندگان و پژوهشگران

استفاده از القاب و صفات غیر پژوهشی در کتاب آن را از شمایل پژوهشی دور می‌کند درحالی‌که در متون پژوهشی، اعتبار پژوهشی افراد در نوشته‌هایشان نمایان می‌شود و به مشاغل و محل کار و عناوین آن‌ها نیازی نیست. "استاد سابق دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز" در معرفی "مؤیدشیرازی" در صفحه ۹، "استاد قدیم دانشسرای عالی" در معرفی "قاسم تویسرکانی" در صفحه ۱۱ از این نمونه‌اند. در ضمن استفاده از عنوان "آقا" مثلاً در جمله «به جز آقای مؤیدشیرازی که به حق در این حوزه تحقیقات ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند.» (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۱۲). گاهی نیز با صفاتی بی‌نام و نشان برمی‌خوریم که تشخیص هویت آن‌ها مبهم و دشوار است. مثلاً در جمله‌ای چنین نوشته شده‌است: «همان‌طور که مصحح کلیات سعدی در پیش‌گفتار بدان اشاره کرده‌است» (همان، ۲۴). این مصحح کلیات سعدی کیست؟ "محمدعلی فروغی" یا "بهاءالدین خرمشاهی"؟

۷.۳ خطاها و نارسایی‌های محتوایی

نادرستی و ضعف نظریه و ابهام آن رسایی محتوای کتاب را خلل‌پذیر کرده‌است و مخاطب را در شناخت اشعار عربی سعدی سردرگم می‌کند و به مقصود خاصی نمی‌رساند.

۱.۷.۳ خطا در نقل نسخه

در نقل اشعار عربی سعدی خطاهایی در کتاب دیده می‌شود که انتظار می‌رفت نویسنده کتاب با دیدگاهی انتقادی به آن‌ها اشاره می‌کرد، با نگاهی کلی می‌توان این خطاها را در سه سطح واژگان، اعراب و حرکت‌گذاری تقسیم کرد که براساس نسخه‌های معتبر و نیز قواعد زبان عربی صحیح نیست. برای هر سه سطح یادشده در این بخش نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم.

۱.۱.۷.۳ سطح واژگان

- در نمونه زیر:

خَلَّنِي أَسْهَرُ لَيْلِي وَ دَعِ النَّاسَ نِيَاماً

(همان، ۱۰۰)

"لِیْلِي" باید "لِیْلِي" باشد و "سَهْرُ اللَّیْلِي" به معنی "شب‌زنده‌داری کردن" است. در کتاب مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۱۳۲) نیز "أَسْهَرُ لَيْلِي" ضبط شده‌است.

- در نمونه دیگر چنین آمده‌است:

مَا عَلَيَّ الْعَاقِلِ مِنْ لَغْوٍ وَ إِذَا مَرُّوا كِرَاماً

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۱۰۱)

براساس آن‌که "کراماً" جمع مکسر و در نقش حال است، فعل "مَرُّوا" باید "مَرُّوا" باشد. در پانویشت کتاب شعرهای عربی سعدی شیرازی چنین آمده‌است: «"مَرُّوا" مطابق اقبال است تمام نسخه‌های دیگر: "مَرُّوا"، که با فاعل مفرد "العاقل" تناسب ندارد. از طرفی به قرینه "الجاهل" در مصراع بعد نمی‌توان فرض کرد "العاقل" غلط باشد. "إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَاماً".» در کلیات سعدی به تصحیح فروغی نیز "مَرُّوا كِرَاماً" (۱۳۸۰: ۷۷۲) آمده‌است ولی در کتاب اشعار عربی

نقدی در بوته زر (محمد رضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۹

سعدی "مر" (اسوار، ۱۳۹۰: ۹۰) ضبط شده است. به عقیده نگارندگان "ال" در "العاقل" از باب استغراق، می تواند افاده جمع داشته باشد.

استغراق جنس، استغراقی است که بر شمول معنا نسبت به تمام افراد دلالت دارد. این نوع از ال چند علامت دارد. ۱: قرار گرفتن لفظ "کل" به جای "أل" صحیح است. مانند: (والعصر إنَّ الانسانَ لَفِي خُسْرٍ أَلَّا الَّذِينَ آمَنُوا) که در این آیه شریفه به جای ال در "الانسان" می توان لفظ کل را قرارداد. ۲: استثناء از آن صحیح است. مانند آیه فوق، که در آن از کلمه "الانسان" استثناء شده است. ۳: ذکر نعت جمع برای آن صحیح است. مانند "أَهْلَكَ النَّاسُ الدِّينَارَ الحُمْرَ وَ الدَّرْهَمَ البَيْضَ" که در این مثال برای "الدینار" و "الدرهم" صفت، به صورت جمع آورده شده است (حسن، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۳۸۶).

۲.۱.۷.۳ سطح اعراب

در بیت

وَأَمِيرٌ فِي جِسْمِي وَ طَاقِهِ شَعْرُهُ فَأَصِيبُهُ مِنْهَا أَدَقُّ وَ أضعَفَا

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۶۵)

"أدق" در نقش مفعول ثانی، منصوب است در حالی که در نسخه کتاب مرفوع ذکر شده است. در کتاب مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۱۲۰) و در کلیات سعدی به تصحیح فروغی (۱۳۸۰: ۷۷۰) نیز "أدق" منصوب است.

۳.۱.۷.۳ سطح حرکت گذاری

در بیت

أدِيرَت كُؤُوسُ المَوْتِ حَتَّى كَانَهُ رُؤُوسُ الأَسَارِي تَرَجَّحَنُ مِنَ السُّكْرِ

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۸۴)

واژه درست در مصراع دوم "تَرَجَّحَنَ" است که فعل مفرد مؤنث غایب مؤکد به نون تأکید ثقیله است بنابراین مبنی بر فتح است که با وزن عروضی فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن نیز هماهنگ است. در حالی که در کتاب با کسره آمده و نون هم مضموم شده است. مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۶۶) ذیل این بیت در پانویس کتابش نوشته است: «غیر از فروغی، تمام نسخه ها: قد

رجحن - که غلط است. «البته فروغی (۱۳۸۰: ۷۵۷) این واژه را "تَرْجَحِنُ" ضبط کرده است. در کتاب ادیب الفارسیه و شاعرها الکبیر سعدی الشیرازی (۱۳۶۴: ۱۷۵) فعل به صورت "تَرْجَحِنَ" با تشدید روی جیم و از باب تَفَعَّل جمع مؤنث غایب ماضی ذکر شده است. اسوار (۱۳۹۰: ۱۳) نیز این واژه را "تَرْجَحِنُ" ضبط کرده است.

۲.۷.۳ خطا در تشخیص نوع صرفی واژگان

سعدی نیز شاید همانند دیگر ادیبان زبان عربی به خطاهای زبانی دچار شده است اما ممکن است چندی از چنین نسبت‌هایی، در ناآشنایی تحلیلگران شعر عربی سعدی با صرف زبان عربی ریشه داشته باشد.

در بیت

يَا لَهْفَ عَصْرٍ شَبَابٍ مَرَّ لَاهِيَهُ لَا لَهْوَ بَعْدَ اشْتِغَالِ الشَّيْبِ فِي رَأْسِي

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۷۵)

مؤلف کتاب این بیت را شاهد عیوب فصاحت در کلمه شناسانده است؛ «واژه "لاهیة" حال برای عصر است و باید به صورت مذکر بیاید.» (همان، ۷۵) البته همین نکته را نیز مؤیدشیرازی (۱۳۷۲: ۱۱۲) در کتاب خود ذکر کرده است و مؤلف نیز بدون ارجاع، آن را در کتاب خود نوشته است. نکته شایان دقت این است که "فاعله" می‌تواند از اوزان صیغه مبالغه باشد، ذهبی تهرانی در اساس الصّرف (۱۳۶۳: ۳۶) "فاعله" را جزء اوزان هیجده‌گانه صیغه مبالغه می‌داند و برای آن واژه "فاطمه" به معنی بسیار جداکننده را مثال می‌زند در ادامه نیز چنین می‌نویسد: «در بسیاری از اوزان نامبرده صیغه‌های مذکر با صیغ مؤنث مشترک هستند، چنانچه در اوزان مفعیل، مفعاله، فُعَلَه، فُعَلَه، فَعُولَه، فَاعِلَه و فَعَالَه چنین است.» (همان، ۳۷) «الاهیة: مفرد لصیغه مبالغه علی وزن فاعله... والذی جذره (لهو)» (المعانی، ۲۰۲۲، بند ۶) از سوی دیگر بلاغی تر است که "لاهیة" را مصدر در نظر بگیریم و اگر همین مصدر در مفهوم حال به کار رود، مبالغه‌ای دوچندان در متن ادبی می‌آفریند، همان‌گونه که سعدی در چند بیت بعد از همین بیت، "لائمه" را چنین به کار برده است:

وَاحْشُرِنِ اَعْمَىٰ اِنْ اسْتَوْجَبْتُ لَائِمَهُ لَا اَفْتَضِیْحُ بَيْنَ جِیْرَانِي وَ جُلَاسِي

(سعدی، ۱۳۷۲: ۱۱۴)

نقدی در بوته زر (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۷۱

در کتاب موسوعه علوم اللغه العربیه ذیل عنوان "المصدر علی زنه اسم الفاعل" چنین آمده است: «وردت مصادر سماعیه نادره جاءت علی وزن اسم الفاعل، نحو: قمت قائماً، آی: قیاماً، ونحو الآیه: (فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ) (الحاقه: الآیه ۸)، آی: بقاء» (یعقوب، ۴۲۷ق: ج ۸، ۴۸۶)

۳.۷.۳ تقسیم‌بندی‌های مبهم و بی‌فایده

در تقسیم‌بندی اصلی کتاب سه محور اساسی وجود دارد؛ معنا، اسلوب و عاطفه. نویسنده در کتاب، این سه محور و لزوم پرداخت به آن‌ها را برای مخاطب کاملاً مشخص نمی‌کند در نتیجه او نمی‌تواند با این ابزار به نقدی کاربردی یا خواننده‌مدار برسد، به بیان دیگر منظور علمی از این واژگان نامشخص است. ریشه این تقسیم‌بندی‌های مبهم، نظریه سست کتاب است. مثلاً خواننده در ذیل مبحث "واژه‌های پرکاربرد و متداول" در صفحه ۳۲ کتاب با انواع واژگان اشعار عربی سعدی از نظر مفهومی روبه‌رو می‌شود ولی نمی‌داند این تقسیم‌بندی به او در شناخت کاربردی اشعار عربی سعدی چه کمکی می‌کند.

۴.۷.۳ نامشخص بودن ملاک‌های ارزیابی

در متن کتاب با استنباط‌ها و قواعدی روبه‌رو می‌شویم که ملاکی برای تشخیص آن‌ها ذکر نمی‌شود. برای مثال در صفحه ۴۱ کتاب، واژگان نامأنوس قصاید عربی سعدی معرفی می‌شود که عبارت است از "قنطوراء"، "هاروت"، "جالینوس"، "سمسمه" و "سقلاط" و اصلاً مشخص نیست طبق چه ملاکی و براساس چه قواعدی این واژگان، نامأنوس شناخته می‌شود. یا در ذیل "ساختار زبانی" آمده است: «به باور نگارنده این سادگی بیش از حد در قالب تعدد ذکر اسامی خاص و معروف و الفاظ قریب به ذهن یا تکرر عبارات نثرگونه باعث شده تا سعدی را در این حوزه از رتبه نخست شاعری فروکشد» (مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۴۹) از این عبارت درمی‌یابیم که از نظر مؤلف سادگی کلام سعدی ملال‌آور به نظر می‌رسد در صورتی که می‌دانیم سادگی و روانی شعر سعدی سبب شده به شعر او صفت "سهل ممتنع" را دهند. آنچه سبب بروز چنین خطاها و قضاوت‌های نادرستی در مورد اشعار عربی سعدی شده مقایسه شعر عربی او در جایگاه یک شاعر فارسی‌زبان با شاعران عرب‌زبان است. به دیگر سخن

صرف نظر از برخی مسامحات زبانی، همچون تذکیر و تأنیث نابه‌جای برخی کلمات در شعر او که چه بسا معلول تصرف کاتبان نیز باشد، کلیت اشعار عربی سعدی از اشراف او

بر زبان و آگاهی از اقتضائات شعر عربی حکایت‌دارد. جایگاه سعدی در شعر عربی برای مخاطب فارسی‌زبان وقتی ملموس‌تر می‌شود که با عربی‌سرایی دیگر شاعران سنجیده‌شود (اسوار، ۱۳: ۱۷۵).

در ادامه همین مطلب موسی اسوار برای اثبات مدعای خویش در این مقاله، شعر عربی سعدی را با شعر عربی مولانا در غزلیات شمس سنجیده‌است.

۵.۷.۳ تکرار محتوا

با نگاهی به محتوای کتاب درمی‌یابیم نویسنده، ذیل هر عنوان، شواهدی از اشعار عربی سعدی آورده‌است و گاهی می‌بینیم یک بیت، چهار الی هفت بار در سراسر کتاب با ترجمه و مرجع آن در کتاب کلیات سعدی تکرار می‌شود. برای نمونه، بیت زیر با ترجمه و مرجعش در صفحات ۴۹، ۵۹، ۶۸، ۷۷ (دوبار)، ۸۱، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۷ و ۱۲۴ تکرار شده‌است:

حَسْبَتْ بِيحْفَنِي الْمَدَامِجَ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السُّكْرِ

این تکرار ملال‌آور ابیات عربی و معنای فارسی آن حجم بسیاری از کتاب را فراگرفته‌است و گرنه محتوای کتاب تقریباً در حد همان مقاله‌ای می‌شد که در مجله لسان مبین چاپ شده است.

۶.۷.۳ توضیحات کم و نارسا

توضیحات توصیفی و تحلیلی اندک کتاب، تقسیم‌بندی‌ها و روند پیشروی کتاب را برای مخاطب گنگ کرده‌است. در بخش نظریه و فرضیه پژوهش نیز با کمبود چنین توضیحاتی روبه‌رو هستیم و همان‌طور که گفتیم بهتر بود نویسنده کتاب نمودار کاربردی نظریه را برای مخاطبان ترسیم می‌کرد. از همه مهم‌تر نویسنده بعد از آوردن مثال‌های شعر عربی برای اثبات یا نمونه، مبحث را بدون هیچ توضیحی رها کرده‌است. مثلاً در صفحه ۶۵ کتاب آمده‌است «به باور نگارنده گاه به تعبیرات نادر و زیبایی برمی‌خوریم که از حیث مضمون و سیاق در اشعار شعرای پیش از او یا دیده‌ نمی‌شود یا کمتر به چشم می‌خورد» (همان، ۶۵). بعد از این مطلب ۹ مثال آمده‌است که تنها ترجمه فارسی دارند و مخاطب در هیچ‌کدام از مثال‌ها با این تعبیرات نادر و زیبا آشنا نمی‌شود و یا در بیت ۲۲ صفحه ۸۳، بیت ۴۳ صفحه ۸۷ و بیت ۴۴ صفحه ۸۷ که در

نقدی در بوته زر (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۷۳

ذیل مبحث تشبیه آمده‌اند، تشبیهات و ارکان آن مشخص نشده‌اند، برای مثال، نویسنده می‌توانست ذیل بیت زیر تشبیه آن را دست‌کم چنین توضیح دهد:

وَمَجْلِسُنَا يَحْكِي مَنَازِلَ جَنَّةٍ وَفِي يَدِ حَوْرَاءِ الْمَحَلَّةِ كُوبُهَا

(۱۳۹۷: ۸۳)

تشبیه با ادات فعلی "یحکی" صورت گرفته و "مجلسنا" به "منازل جَنَّةٍ" مانند شده‌است. گاهی نیز بین مثال و توضیح فاصله بسیاری افتاده‌است. مثلاً در صفحه ۷۵-۷۴ چند واژه معرفی می‌شود و بعد از چندین سطر توضیح آن می‌آید. بهتر بود هر کدام از این‌ها، تقسیم‌بندی عنوان‌داری می‌یافت که چنین گیج‌کننده نمی‌شد. لازم است بیفزاییم که در کل نمی‌دانیم شناخت صرف تشبیه، استعاره و کنایه در شعر عربی سعدی چه نگاه نقادانه‌ای را به مخاطب ارائه می‌دهد و بهتر بود با ارزش بلاغی این صور خیال و تحلیل آماری آن‌ها مطلب کاربردی‌تر می‌شد. برای مثال، در تعریف استعاره تبعیه در پانوش صفحه ۷۹ به نقل از جواهرالبلاغه صفحه ۳۷۱ از لفظ مستعار مشتق و حرف سخن رفته‌است، در حالی که لازم بود، به فعل هم اشاره می‌شد. علت نامگذاری این استعاره به "تبعیه" این است که استعاره در افعال و مشتقات در مصدر و استعاره در حروف، در معانی واقع می‌شود، نه در خود آن‌ها « وَتَبَعِيَّةٌ وَهِيَ مَا كَانَ اللَّفْظُ فِيهَا غَيْرَ اسْمٍ جِنْسٍ كَالْفِعْلِ وَالْمُشْتَقَّاتِ كَسَائِرِ الْآيَاتِ السَّابِقَةِ وَالْحُرُوفِ » (سیوطی، ۱۳۹۴ق: ج ۳، ۱۵۲)

نویسنده ذیل بیت زیر از صفحه ۸۸ "احمد المعصوم" را کنایه از خلیفه عباسی می‌داند:

أَيَا أَحْمَدُ الْمَعْصُومُ لَسْتَ بِخَاسِرٍ وَرُوْحُكَ وَالْفِرْدَوْسُ عَسْرٌ مَعَ الْيُسْرِ

در اینجا مشخص نیست، مقصود از "احمد المعصوم" احمد مستنصر جانشین مستعصم است یا سعدی مجازاً "ابو احمد بن منصور بن محمد المستعصم بالله" را احمد نامیده‌است که انتظار می‌رفت نویسنده به این مطلب اشاره می‌کرد.

۷.۷.۳ کاستی و خطا در تبیین صور خیال و صنایع ادبی

نویسنده در تبیین صور خیال در شعر عربی سعدی تنها به تشبیه، استعاره و کنایه بسنده کرده و از بیان انواع این تصاویر در شعر شاعر و تحلیل آن‌ها سرباز زده‌است و در کتابش از مجاز و اسناد مجازی شعر عربی سعدی سخنی نرانده‌است. در بخش کاربرد انواع بدیع لفظی، تنها به

دو آرایه جناس و ردالعجز علی الصدر پرداخته و در بررسی بدیع معنوی به آوردن نمونه‌هایی از طباق، مقابله و مراعات النظیر اکتفا کرده‌است. با وجود چنین پرداخت سطحی و زودگذر به بحث بیان و بدیع در شعر عربی سعدی، همین مباحث کوتاه نیز نظم منطقی ندارد و عموماً بی‌هیچ توضیح و تحلیلی رهامی شود. به علاوه شواهد نیز بدون دسته‌بندی مشخصی هستند. البته همین تبیین کوتاه و درهم خطاهایی دارد که تعدادی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

- در ذیل بیت

كَأَنَّ جُفُونِي عَاهَدَتْ بَعْدَ بُعْدِهِمْ بِأَنَّ لَمْ تَزَلْ تُبْكِي أَسَىٰ وَ تَأَلَّتْ

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۷۹)

آمده‌است: «در این بیت "جفون"، در قالب استعاره تصریحیه اصلیه، به انسان تشبیه شده است» درباره این توضیح، ذکر دو نکته ضروری است؛ اول اینکه اگر "جفون" را استعاره در نظر بگیریم، قطعاً استعاره مکئیّه است و دوم اینکه "جفن" پلک چشم است که مجازاً به علاقه مجاورت یا جزئیت در مفهوم چشم به کار رفته‌است.

- در ذیل بیت

حَسِبْتُ بِجَفْنِي الْمَدَامِعَ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السَّكْرِ

(همان، ۸۱)

آمده است: «طغیان که امری عقلی است، استعاره آورده شده برای کثرت و لبریز شدن آب که امری حسی است با جامع افراط در هر دو در قالب استعاره تصریحیه اصلیه.» واضح است که استعاره در فعل "طغی" صورت گرفته‌است پس از نوع تبعیه است. اتفاقاً در معالم البلاغه، ذیل مباحث مستعارمنه عقلی و مستعارله حسی همین شاهد با این توضیحات نوشته شده‌است: «طغیان که به معنی تکبر و تجاوز از حد است و امریست عقلی، استعاره آورده برای کثرت و بالا آمدن آب که امری حسی است و جامع، استعلائی مفرط است و آن نیز عقلی است.» (رجایی، ۱۳۷۶: ۲۹۷) و می‌بینیم که سخنی از استعاره تصریحیه اصلیه نیست.

- در ذیل بیت

يُبَالِغُ فِي الْإِنْفَاقِ وَالْعَدْلِ وَ التَّقَىٰ مُبَالَغَةَ السَّعْدِي فِي نُكْتِ الشُّعْرِ

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۸۶)

که شاهدی برای تشبیه بلیغ است، چنین آمده است: «کاربرد تشبیه بلیغ در "مُبَالَغَةُ السَّعْدِي" در اصل بوده "یبالغ مبالغه كمبالغه السعدی"» در کتاب *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیه هامه* در مبحث "صور الوقوع التشبيه البليغ" چنین آمده است: «أن يقع مصدراً مُبَيَّنّاً للنوع. كقوله تعالى: (وهي تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ)» (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۰) براساس این کتاب، مفعول مطلق نوعی اضافی از گونه‌های تشبیه بلیغ نامیده شده است و بلیغ، از مصدر بلوغ است و نه بلاغه و در توضیح آن صرفاً مفهوم تأکید و مبالغه دریافت می‌شود، همانطور که در تعبیر آرایه بلاغی آیه (وهي تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ) مشابهه را به صورت "هي تَمُرُّ مَروراً كمرور السحاب" صفت مشابه خوانده است. از سوی دیگر "مُبَالَغَةُ السَّعْدِي" را می‌توان تشبیه ضمنی در نظر گرفت. برای مثال «در آیه شریف (فَأَخَذْنَا لَهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ)»، اضافه، نوع عامل را همراه با دلیل توضیح می‌دهد؛ زیرا تشبیه برآمده از آیه، دلیل و برهان حکم عامل، یعنی «أَخَذْنَا» را بازگو می‌کند؛ به این دلیل که آیه در حکم تشبیه «أَخَذْنَا كَأَخْذِ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ» است و این تشبیه، تشبیه ضمنی است. (حسینی نیا، ۱۰۶)

به علاوه از آنجا که ادات از بیت سعدی حذف شده است "مُبَالَغَةُ السَّعْدِي" را می‌توان مؤکد شمرد. بدیهی است علت فتحه مصدر، قاعده منصوب به نزع خافض (ک تشبیه) است. از سوی دیگر «مُبَالَغَةُ الْمَمْدُوحِ فِي الْإِنْفَاقِ وَالْعَدْلِ وَالتَّقَى» مشبه مرکب، «مُبَالَغَةُ السَّعْدِي فِي نُكْتِ الشِّعْرِ» مشبه به مرکب است که از جمله تشبیهات مرکب است که هیأت مصور در نیمه نخست بیت با همه اجزایی که دارد، بر نیمه دوم منطبق است. جرجانی این نوع تشبیه را «تشبیه مرکب تخیلی نوع اول» می‌داند. (جرجانی، ۱۳۷۴: ۹۹) بنابراین، از آنجا که این بیت سعدی می‌تواند شاهد مناسبی برای تشبیه ضمنی یا مؤکد یا مرکب باشد، انتظار می‌رفت، مؤلف به این نکات اشاره می‌کرد.

لازم است بیفزاییم، توضیحات بالا درباره بیت زیر از صفحه ۸۳ کتاب نیز صادق است.

لَقَدْ مَقَّتَ السَّعْدِيُّ خَلْبًا يَلُومُهُ عَلَى حُبِّكُمْ مَقَّتَ الْعَدُوَّ الْمُحَارِبِ

- در ذیل بیت

صَفَادِعُ حَوْلَ الْمَاءِ تَلْعَبُ فَرَحَهُ أَصْبَرُ عَلَى هَذَا وَيُونُسُ فِي الْفَعْرِ

با برداشت بدون ارجاع از کتاب اشعار عربی سعدی (مؤیدشیرازی، ۱۳۷۲: ۷۱) "ضفادع" کنایه از مغولان و "یونس" کنایه از خلیفه لحاظ شده است که در واقع هر دو نمونه‌ای برای استعاره مصرّحه هستند. همین خطا در بیت زیر نیز رخ داده است:

تَرَاخَمَتِ الْغُرَبَانَ حَوْلَ رُسُومِهَا فَاصْبَحَتِ الْعَنْقَاءُ لِازْمَةِ الْوُكْرِ

(مقدم متقی، ۱۳۹۷: ۸۹)

"الغریبان" کنایه از مغولان و "العنقاء" کنایه از خلیفه گرفته شده که باز هم هر دو می‌تواند استعاره باشد چون پایه در تشبیه دارد.

- در ذیل بیت

مَحَا جِرَ تَكْلَى بِالْدُمُوعِ كَرِيمَةٍ وَ إِن بَخِلَتْ عَيْنُ الْغَمَائِمِ بِالْقَطْرِ

(همان، ۸۹)

نویسنده فعل "بَخِلَتْ" را کنایه از نباریدن گرفته است که مصداق خوبی برای استعاره در فعل یا استعاره تبعیه است. همین بیت در صفحه ۸۱ شاهدهی برای استعاره مکنیه اصلیه در واژه "الغمام" ذکر شده است در صورتی که بیت شاهد زیبایی برای تشبیه تفضیل است و سعدی به- طور ضمنی براین باور است که چشمان زنان داغدار از ابر نیز بارنده تر است.

- در ذیل بیت

أَلَا إِنَّمَا الْأَيَّامُ تَرْجَعُ بِالْعَطَا وَ لَمْ تَكْسُ إِلَّا بَعْدَ كِسْوَتِهَا تُغْرِي

(همان)

"الایام" کنایه از روزگار گرفته شده در حالی که روزگار معنای واژگانی کلمه است.

۴. نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش را در نقد کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی بر اساس محورهای چهارگانه ساختار پژوهشی، سعدی‌شناسی، مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی، خطاها و نارسایی‌های محتوایی می‌توان چنین بیان کرد:

الف) محور ساختار پژوهشی: فرضیات کتاب نمایش واضحی ندارد و مخاطب در شناخت آن‌ها سردرگم است. شیوه پژوهشی و نسخه‌منتخب نویسنده از اشعار عربی سعدی ناگفته مانده است. پیشینه پژوهش نارسا و ناکافی است و نویسنده از اشراف و آگاهی لازم در شناساندن پژوهش‌های گذشته در اشعار سعدی بی‌بهره است. از همه مهم‌تر نظریه پژوهش تبیین صحیحی ندارد و کاربری و چارچوب آن نامشخص است.

ب) محور سعدی‌شناسی: با این که یک فصل کتاب با نام زندگی و آثار سعدی به موضوع سعدی‌شناسی اختصاص دارد، مخاطب به حد لزوم و با سیری منطقی با این شاعر نامدار فارسی آشنا نمی‌شود. مطالب این بخش پراکنده و سطحی است و بیشتر مطالب آن نقل از منابع قدیمی و دست‌چندم است و نویسنده در شناساندن سعدی، از منابع جدید استفاده نکرده است.

ج) محور مستندسازی اطلاعات و مراجع درون‌متنی: در این کتاب با نقل قول‌های بی‌مراجع و خطا در ارجاع‌نویسی روبرو هستیم و با وجودی که نویسنده از پژوهش‌های پیشین خود در این زمینه بهره‌مند بوده است، به این امر اشاره‌ای نکرده است.

د) محور خطاها و نارسایی‌های محتوایی: خطاهای محتوایی کتاب را می‌توان به خطا در نقل نسخه در سه سطح واژگان، اعراب و حرکت‌گذاری و همچنین تشخیص نوع صرفی واژگان و کاستی و نادرستی در تبیین صور خیال و صنایع ادبی تقسیم کرد. گاهی نیز ملاک‌هایی که نویسنده برای ارزیابی اشعار عربی سعدی ارائه می‌دهد، گویا نیست. تکرار محتوا و توضیحات کم و نارسا از دیگر نقاط ضعف کتاب به حساب می‌آید. در یک کلام از یک کتاب علمی و دانشگاهی انتظار می‌رود موضوع پژوهش خود را با نگاهی نقادانه‌تر و همه‌جانبه‌نگرتر ارزیابی کند.

کتاب‌نامه

ابابکری حاجی‌آباد ملاقاسم، رحمان (۱۳۹۸)، بازتاب هنری لفظ و معنا در اشعار عربی سعدی بر پایه نقد زیبایی‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی.
احمد بدوی، احمد (۱۹۹۶م)، اسس النقد الأدبی عند العرب، القاهرة: دارنهضه مصر للطباعه و النشر.
ادیب الفارسیه و شاعرها الکبیر سعدی الشیرازی (۱۳۶۴)، دمشق: المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه الایرانیه بدمشق.

اسوار، موسی (۱۳۹۱)، «در رثای بغداد، نگاهی به قصاید عربی سعدی»، سعدی‌شناسی، ش ۱۵.

ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۷۷)، «نظری به تدوین دانش بدیع در ادب فارسی»، مجله دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۶.
جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴)، اسرار البلاغه، مترجم: جلیل تجلیل، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

حریرچی، فیروز و قیس آل قیس و زهرا حکیم زاده (۱۳۹۱)، «سعدی شیرازی و حاضره الاسلام من خلال قصیده الرئیه فی رثاء بغداد»، آفاق الحضاره الاسلامیه، ش ۲۹.
حسن، عباس (۱۴۲۲ق)، النحو الوافی مع ربطه بالاسالیب الرفیعه و الحیاه اللغویه المتجدده، تهران: ناصر خسرو.

حسینی نیا، سیدمحمد (بی‌تا)، إعراب قرآن و حدیث، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.

ذهنی تهرانی، سید محمد جواد (۱۳۶۳)، اساس الصرف، ج ۱، قم: حاذق.

رجائی، محمد خلیل (۱۳۷۶)، معالم البلاغه، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.

زراعت‌طلب، فاطمه (۱۳۹۶)، وحدت و کثرت در خطبه‌های متفقین، ششقیه، غراء و الزهرا نهج البلاغه از دیدگاه نقد زیبایی‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

ساجدی، زکیه (۱۳۹۷)، بازشناسی جلوه‌های زیبایی سخن در دعای کمیل و دعای ندبه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

سعدی، مصلح الدین بن عبدالله (۱۳۹۰)، اشعار عربی سعدی، مترجم: موسی اسوار، شیراز: دانشنامه فارس مرکز سعدی‌شناسی.

سعدی، مصلح الدین بن عبدالله (۱۳۸۰)، کلیات سعدی، مصحح: محمدعلی فروغی، تهران: نشر نامک.
سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر (۱۳۹۴ق)، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، قاهره: هیئته المصریه العامه للکتاب.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، نقد ادبی، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.

عباس، احسان (۱۳۶۳)، «ارزیابی اشعار عربی سعدی»، مترجم: جعفر مؤید شیرازی، آینده، س ۱۰، ش ۱۰-۱۱.

فاضلی، محمد (۱۳۷۶)، دراسه و نقد فی مسائل بلاغیه هامه، مشهد: دانشگاه فردوسی.

فتوحی، محمود (۱۳۹۳)، آیین نگارش مقاله پژوهشی، تهران: سخن.

فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶)، زبان قرآن، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نقدی در بوته زر (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۷۹

قربانی، معصومه (۱۳۹۳)، بررسی ادعیه امام سجاد علیه السلام براساس نقد کاربردی (دعای ابوحمزه ثمالی، مناجات خمس عشره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

القضاء، محمدعلی (۱۳۹۰)، «قراءه نقدیه فی اشعار سعدی الشیرازی العربیه»، مجله علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. ش ۲۰.

قلی‌پور، فاطمه (۱۳۹۴)، بازتاب هنری تناسب نفس و معنی در خطبه‌های (الغدیر، فدکیه، قاصعه، اشباح)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. کمالجو، مصطفی و الهام زارع (۱۳۹۲)، «تحلیل بلاغی اشعار عربی سعدی با نگاه به تشبیه»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، ش ۱.

المعانی (۲۰۲۲)، سایت المعانی لکل رسم معنی، برگرفته از

<https://www.almaany.com/ar/analyse/ar-ar/%D9%84%D8%A7%D9%87%D9%8A%D8%A9/>

معتمدی بارزلی، نرگس (۱۳۹۳)، واکاوی اسلوب، معنا و عاطفه در دعای عرفه امام حسین (ع) و زیارت جامعه کبیره امام هادی (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

مقدم متقی، امیر (۱۳۹۷)، بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی، تبریز: انتشارات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

مقدم متقی، امیر (۱۳۹۳)، «بررسی قصیده راثیه سعدی در سوگ بغداد بر پایه نقد کاربردی»، فصلنامه لسان مبین، ش ۱۵.

مقدم متقی، امیر (۱۳۸۵)، «تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی»، مجموعه مقالات همایش ملی پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

مقدم متقی، امیر (۱۳۹۱)، «زیبایی‌شناسی اسلوب و معنا در سبک نویسندگی ملاصدرا»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، س ۱۳، ش ۵۲.

مؤیدشیرازی، جعفر (۱۳۷۲)، شعرهای عربی سعدی شیرازی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

مؤیدشیرازی، جعفر (۱۳۶۲)، شناختی تازه از سعدی همراه با متن مصحح و معرب اشعار عربی و ترجمه فارسی، شیراز: نشر نوید.

یعقوب، امیل بدیع (۱۴۲۷ق)، موسوعه علوم اللغه العربیه، جلد ۸، بیروت: دار الکتب العلمیه.